

بهره‌گیری از عکس و عکاسی در روزنامه‌های شرف و شرافت*

دکتر محمد ستاری**^۱، هوشنگ سلامت^۲

^۱ استادیار گروه آموزشی عکاسی و ارتباط تصویری دانشکده هنرهای تجسمی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.
^۲ عضو هیأت علمی دانشکده هنر، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۷/۱۵، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۸/۱۰/۱۳)

چکیده:

اولین روزنامه دولتی ایران "وقایع اتفاقیه" نام داشت. در سال ۱۲۷۷ هـ.ق ناصرالدین شاه قاجار فرمان مصور کردن روزنامه مزبور را صادر کرد. بنابراین وقایع اتفاقیه از شماره ۴۷۲ در سال ۱۲۷۷ هـ.ق به صورت مصور همراه با نقاشی‌های "میرزا ابوالحسن خان غفاری" به نام "روزنامه دولت علیه ایران" منتشر شد. ادامه روند انتشار روزنامه‌های مصور از سال ۱۳۰۰ هـ.ق با انتشار دو روزنامه "شرف" و "شرافت" مجدداً از سر گرفته شد. تصاویر این دو روزنامه مشتمل بر تصویرهای رجال ایرانی و غیرایرانی، اماکن و سایر مواردی است که توسط نقاشانی چون "میرزا ابوتراب غفاری"، "میرزا موسی نقاش" و "مصورالملک" ترسیم شده‌اند. شرف و شرافت در مجموع دارای ۲۵۰ نقاشی با سبک واقع‌گرایانه هستند. سال‌های انتشار این دو روزنامه همزمان با دوران رشد و اعتلای عکاسی در ایران بود و از آثار عکاسان مشهوری چون آقارضا اقبال السلطنه، میرزا احمدخان صنیع السلطنه، عبدا... میرزای قاجار، محمدحسن خان قاجار، میرزا سیدعلی خان اعتماد حضور و منوچهرخان عکاس باشی به نحوی در این دو روزنامه استفاده شده است. در این مقاله سعی شده تا اصل عکس‌هایی که نقاشان روزنامه‌های شرف و شرافت از روی آنها به کشیدن تصاویر چاپ شده در این دو روزنامه پرداخته‌اند یافت شده و در صورت امکان، عکاسان آن عکس‌ها نیز شناسایی شوند.

واژه‌های کلیدی:

چاپ سنگی، روزنامه‌های مصور، شرف و شرافت، تاریخ عکاسی ایران.

* این مقاله مستخرج از رساله دوره کارشناسی ارشد نگارنده دوم در رشته عکاسی دانشگاه هنر تهران است.
** نویسنده مسئول: تلفن ۶۱۱۱۲۷۵۲-۰۲۱، نمابر: ۶۶۹۶۲۵۹۲-۰۲۱، E-mail: Sattari@ut.ac.ir

مقدمه

[نقاشی] همه از عکس تأهل یافت و تکمیل پذیرفت" (فلور، ۱۳۸۱، ۲۶). واژه "عکس" که اول بار به قول ایرج افشار در طومار صورت برداری از گنجینه شیخ صفی در قرن دوازدهم به چشم می خورد و به جای تصویر نقاشی شده به کار رفته است (افشار، ۱۳۷۱، بیست و هفت).

موقعی که فن عکاسی به ایران وارد شد ایرانیان کلمه "عکس" را که اصطلاح مرسوم و سنتی هنرمندان گذشته برای منعکس شدن صورت اشیاء در آئینه، آب و بعضی از فلزات بود به کار بردند. ایرانیاتی که از اواخر قرن نوزدهم برای تجارت و سیاحت به بلاد فرنگ و عثمانی و هند و قفقاز می رفتند به یادگار عکس می انداختند، اصطلاح "عکس" را به جای [ماحصل فرآیند] فتوگرافی پذیرفته بودند و استعمال می کردند (همان، بیست و هشت و بیست و نه).

در نقاشی چهره نگاری برای کاستن از مدت زمان نشستن افراد مدل در برابر نقاش، از عکس آن افراد استفاده می شد. پیکره های نقاشی شده عکسوار نیمه دوم سده نوزدهم از این نظر جالب توجه است که نقاشی های چهره نگاری با تک چهره های عکاسی مورد مقایسه قرار گیرد (فلور، ۱۳۸۱، ۲۶).

عکاسی خدمت بزرگی به مصور کردن روزنامه های عصر ناصری کرد. زیرا ابتدا از شخص یا منظره مورد نظر عکس می گرفتند و سپس نقاش از روی عکس منعکس شده در آئینه به تصویرگری می پرداخت. اکثر تصویرهای روزنامه "شرف" از این طریق تهیه شده است (پروین، ۱۳۷۷، ۱۱۹).

عکس های عکاسان دوره ناصری را به علت محدودیت دستگاه های چاپ، هیچ گاه عیناً به طبع ترسانند. گزیده ای از عکس های آن عهد را نقاشان هنرمند برای چاپ در مطبوعات ترسیم کرده اند. محمدعلی فروغی در نامه ای به دکتر قاسم غنی نوشته است که: "من ملاقات اول خودم را با مرحوم میرزا ابوتراب خان به یاد دارم که بسیار خردسال بودم و بنا به اُنسی که با پدرم داشتم روزها که او در دارالطباعة و از خانه بیرون بود گاهی مرا به آنجا می بردند. دارالطباعة در محوطه ارگ بود و در کوچه ای در اوایل خیابان باب همایون در خانه ای که دیوانخانه یا بیرونی حاجی میرزا آقاسی بود و گمانم این است که میرزا تقی خان امیرنظام هم در آن خانه منزل داشته است و امروز نه آن خانه موجود است و نه آن کوچه. چون ابنیه آن ناحیه را یکسره خراب کرده و عمارت دادگستری را به جای آن ساخته اند. یکی از روزها که مرا به آنجا برده بودند، مرحوم میرزا ابوتراب خان را دیدم که در ایوانی نشسته و عکسی در پیش داشت و در مقابل عکس آئینه ای گذاشته و از روی تصویری که در آئینه افتاده بود روی سنگ مرمر نقاشی می کرد و آن قسم نقاشی روی سنگ را میرزا ابوتراب خان ابتکار کرده و یا اگر ابتکار نکرده بود پس از منسوخ و متروک شدن دوباره زنده ساخته بود که در سنگ عملیاتی می کرد و آن را دان دان می ساخت و مستعد می نمود که مستقیماً روی آن با مرکب چاپ تصویر بسازد و چون

آنچه که روزنامه های شرف و شرافت را به شهرت رسانیده است یکی هنرمندی خوشنویسانی چون میرزا محمد رضا کلهر و میرزا زین العابدین ملک الخطاطین در کتابت آن دو روزنامه است که مجموعه ای از خطوط زیبا و استادانه خویش را در آنجا به یادگار گذارده اند و دیگر تصاویر پرارزشی از سه نقاش هنرمند و مشهور دوره قاجار یعنی میرزا ابوتراب غفاری، میرزا موسی نقاش و میرزا مهدی مصورالملك است.

شرف و شرافت در مجموع دارای ۲۵۰ تصویر هنرمندانه است که ۱۵۵ تصویر از شاهکارهای به یادگار مانده از ابوتراب، ۲۹ تصویر متعلق به میرزاموسی و ۶۶ تصویر دیگر باقی مانده را میرزامهدی خان مصورالملك ترسیم نموده است.

اگر بخواهیم مجموع تصاویر مذکور را از لحاظ موضوعی از هم تفکیک نماییم، ۱۷۴ تصویر مربوط به رجال ایران، ۴۹ تصویر مربوط به رجال غیرایرانی و ۲۷ تصویر مربوط به اماکن مختلف و متفرقه است. تصاویر رجال عموماً پرتره های نیم تنه ای هستند با دقت بسیار در جزئیات که این فرض و گمان را تأیید می کند که آنها از روی عکس کشیده شده اند. تصاویر اماکن و مناظر نیز به همین ترتیب هستند. بنابراین با توجه به تصاویر چاپ شده در این دو روزنامه و مراجعه به آلبوم خانه کاخ گلستان؛ عکس های مشابه تصاویر مزبور و نام عکاسان آنها مورد شناسایی قرار گرفت.

بدین ترتیب مشخص شد نقاشان روزنامه های شرف و شرافت عکس های چهره حاصل کار عکاسانی چون آقارضا اقبال السلطنه، میرزا احمد صنیع السلطنه، عبدا... میرزای قاجار، محمدحسن خان قاجار، میرزا سیدعلی خان اعتمادحضور و بالاخره منوچهر خان عکاس باشی را پیش روی داشته و از روی آن عکس ها مبادرت به ترسیم تصاویر کرده اند.

به طور خلاصه یافته های حاصل از این پژوهش عبارت است از:

- ۱- شناسایی عکس های مورد استفاده که از روی آنها تصاویر چاپ سنگی دو روزنامه شرف و شرافت پدید آمده اند.
- ۲- شناسایی عکاسانی که از عکس های آنان در روزنامه های مذکور استفاده شده
- ۳- مقایسه شیوه کار طراحان در چگونگی استفاده آنها از عکس ها

ایرانیان از تأثیر عکس بر نحوه نقاشی شان آگاه بودند (فلور، ۱۳۸۱، ۲۶). عکاسی از سال ۱۲۵۸ هـ.ق/۱۸۴۲ م به ایران دوره قاجار در زمان محمدشاه غازی وارد شده بود (عدل، ۱۳۷۹، ۵۹). اعتضادالسلطنه در کتاب "اکسیرالتواریخ" به سال ۱۲۶ هـ.ق/۱۸۴۴ م ضمن معرفی صنایع عهد محمدشاه یکی از صنایع جدید آن روزگار را "عمل کشف که نوعی از نقاشی است" بر شمرده که به گمان ایرج افشار همان عکاسی است (افشار، ۱۳۷۱، بیست).

اعتمادالسلطنه در کتاب "المآثر و الآثار" به سال ۱۲۰۳ هـ.ق/۱۸۸۶ م چنین اظهار نظر می کند: "از وقتی که عکس ظهور یافته به صنعت تصویر خدمتی خطیر کرده، دورنما سازی و شبیه کشی و وانمودن بسایه روشن و به کار بردن تناسبات و سایر نکات این فن

نقاش‌باشی کاشانی صنایع‌الملک بود این کار شروع شد. مشارالیه که در صنعت خاصه خویش اولین شخص این دولت بود و شبیه‌سازی و چهره‌پردازی را بدون معاونت عکس، کس به درجه او نتوانست نمود در تضاعیف جریده رسمیه تصاویر رجال دولت علیه و مجالس انعقاد سلام شاهنشاه اسلام و امثال ذالک را می‌کشید و به طبع می‌رسانید. ولی قوت مرحوم موجب قوت این قایده گردیده بود، تا از همین سنوات مؤلف به احیاء موات و استدراک مافات پرداخته روزنامه مصور تجدید نموده و چون جریده رسمیه مرسوم به ایران را به اخبار درباری و سایر مطالبی که به دولت علیه و ممالک محروسه راجع است منحصر ساختن تخصصی به جا بود لاجرم جریده جداگانه برای رسم تصاویر و تماتیل دایر ساخت و آن را روزنامه شرف نام نهاد (قاسمی، ۱۳۸۰، ۱۷۳۳).

و از آنجا که صنعت عکس به فن شبیه‌سازی تکمیل و تسهیل خدمتی سخت بزرگ نموده است جریده شرف را از امتیاز صور و اشکال و اشتهال بر تراجم رجال و خصایص دیگر بر آن روزنامه‌های مصور بسی شرف و مزیت است... (همان، ۱۷۳۳).

خط یا تصویر در چاپ وارونه برمی‌گردد از روی عکس که در آئینه افتاده بود می‌ساخت تا پس از چاپ مستقیم دیده شود" (قاسمی، ۱۳۸۰، ۱۷۳).

بسیاری از عکاسان عهد ناصری اعتقاد داشتند که نقاشان به درستی نتوانسته‌اند عکس‌های آنان را نقاشی کنند و همین امر اختلافاتی در بین عکاسان و نقاشان به وجود آورد که گاه به مرز تنفر نیز می‌رسید. نقاشان به مشکل چاپ اشاره داشتند و خود را بی‌گناه می‌دانستند و عکاسان در پی این بودند تا با برطرف کردن مشکل چاپ، عکس را بی‌واسطه و به طور دلخواه عیناً در مطبوعات چاپ کنند. مقاله عبدا... میرزا عکاس مخصوص... به این تلاش‌ها در عهد ناصری اشاره دارد [که می‌توانسته عیناً عکس را به روش فتولیتوگرافی و نه به کمک تکنیک نقاشی روی سنگ چرب توسط نقاش در نشریه چاپ کند] (همان، ۱۷۴ و ۱۷۵).

اعتمادالسلطنه ذیل "ایجاد جریده مصوره" درباره [روزنامه مصور] شرف در المآثر و الآثار نوشته است که "زمانی که در دایره انطباعات و روزنامجات در تحت نظر میرزا ابوالحسن خان غفاری

پیشینه چاپ سنگی در ایران

خوشنویسی- را فراهم می‌کرد. و ثالثاً، چاپگرها به زودی متوجه شدند که در چاپ سنگی می‌توان نوشته و تذهیب و تصویر را با هم با یک روش ارائه کرد (مارزولف، ۱۳۸۴، ۱۳۸ و ۱۳۹).

اساس چاپ سنگی بر عدم اختلاط آب با روغن مبتنی است. در گذشته، لوحه را از تخته سنگ آهکی متخلخل می‌ساختند، ولی امروزه غالباً نوعی ورق فلزی برای این منظور به کار می‌برند. روند کلی کار چنین است که پس از ترسیم طرح مورد نظر به وسیله مداد شمعی یا سایر مواد چرب بر روی سنگ یا زینک، آن را به روشی خاص تثبیت می‌کنند. بدین ترتیب، لوحه برای چاپ آماده خواهد بود. اگر قبل از آغشتن لوحه به مرکب چاپ، سطح آن مرطوب شود، فقط بخش‌های پر شده تصویر مرکب را به خود می‌گیرد و به کاغذ منتقل می‌شود (پاکباز، ۱۳۷۸، ۴۸۸).

روزنامه شرف

مؤسس و مدیر روزنامه شرف محمد حسن خان فرزند حاجی علی خان حاجب‌الدوله است که از رجال بزرگ عصر خود بود. وی در سال ۱۲۵۶ هـ.ق در تهران متولد شد و پس از گذراندن تحصیلات اولیه خود در دارالفنون به پاریس رفت. پس از گذراندن دوره‌های تاریخ و جغرافیای متداول آن روزگار و آشنایی کامل با زبان فرانسوی و در سن ۲۸ سالگی به ایران بازگشت و سمت ریاست‌دارالترجمه به او واگذار شد. در سال ۱۲۸۸ هـ.ق ملقب به صنایع‌الدوله گشت. از آن پس مشاغل متعدد دیگری بر عهده او گذاشته شد. در سال ۱۲۹۸ هـ.ق

اوایل قرن سیزدهم، ایران یکی از آخرین نقاط جهان اسلام بود که چاپ در آن به عنوان یک روش فرهنگی مستمر پایه‌ریزی شد. کوشش‌های پیشین برای رواج چاپ در ایران به عصر صفوی و دستگاه چاپ در جامعه ارمنیان جلفای نو باز می‌گردد که پنج کتاب در فاصله ۱۰۴۸ تا ۱۰۵۷ هـ.ق به وسیله آن چاپ شده بود (این دستگاه چاپ هنوز موجود است). با وجود این، حضور ماندگار چاپ در ایران به نخستین دهه‌های سده سیزدهم قمری مربوط می‌شود که به ابتکار عباس میرزا، ولیعهد و فرمانفرمای آذربایجان، تجهیزات چاپ حرفی (سربی) از روسیه وارد شد. در ابتدا، این روش چاپ مورد مناقشه بود و چندان توفیقی نیافت. مجموعاً حدود پنجاه کتاب حروف سربی بین سال‌های ۱۲۲۳ و ۱۲۷۲ هـ.ق به چاپ رسید و بعد از سال ۱۲۷۲ هـ.ق این روش برای دو دهه کنار گذاشته شد. در خلال این مدت، چاپگران ایرانی با فن چاپ سنگی که "آلوپس زنفلدر" ساکن پراگ در اواخر سده هجدهم میلادی اختراع کرده بود، آشنا شده بودند. اگر چه تجهیزات چاپ سنگی احتمالاً در سال ۱۲۴۰ هـ.ق به ایران وارد شد، نخستین کتاب چاپ شده با این روش که به جا مانده قرآنی است مورخ ۴۹-۱۲۴۷ هـ.ق. در دهه‌های بعد چاپ سنگی در ایران موفقیتی چشمگیر به دست آورد. این تنها روش موجود چاپ برای دو دهه، از ۱۲۷۳ تا ۱۲۹۱ هـ.ق بود که تا اواسط قرن چهاردهم هجری قمری ادامه پیدا کرد. چاپ سنگی در مقایسه با چاپ سربی مزایای بسیاری در برداشت. اولاً، ابزارش ساده، در دسترس، ارزان‌بها و کار کردن با آن بسیار آسان بود. ثانیاً چاپ سنگی امکان تداوم اسلوب ساخت نسخه‌های خطی- به ویژه از جنبه تأثیر زیبایی‌شناسانه

روزنامه شرافت

روزنامه شرف پس از ۸۷ شماره در سال ۱۳۰۹ هـ.ق در سال دهم انتشار تعطیل شد و پس از وقفه‌ای حدوداً چهار ساله با همان سبک و سیاق روزنامه شرف اما با نام جدید "شرافت" منتشر گردید.

اولین شماره روزنامه شرافت حدود سه سال پس از قتل ناصرالدین شاه در ماه صفر ۱۳۱۴ هـ.ق با تصویر مظفرالدین شاه طبع رسید. علت انتشار روزنامه مذکور در همان شماره چنین اعلان شده است: "روزنامه موسوم به شرف مبتنی بر ترحمات احوال و رسم صور و اشکال اعظم و اشراف رجال که از سنه هزار و سیصد هجری تا چهار سال قبل دایر و رونق افزای عالم مطبوعات ایران بود و از آن پس به واسطه بعضی موانع و عوایق ترک و تعطیل شد. در این ایام که رأی جهان را به ترقی روزنامجات و انطباعات تعلق یافته و دارالطباعة دولتی مورد توجه و التفات است، امر و اشارت رفت که دوباره روزنامه موصوری ایجاد و طبع گردد و چون این نخست روزنامه‌ای است که در این عهد به مبارکی احداث و ایجاد و شرافت بخش عالم مطبوعات شده است آنرا به نام نامی "شرافت" موسوم داشتیم و عجلتاً ماهی یک نمره طبع خواهد رسید" (صفی نژاد، ۱۳۶۳، ۱۳).

تصمیم‌گیرندگان به انتشار روزنامه شرافت در بدو انتشار وعده داده بودند که در هر ماه یک شماره روزنامه به طبع خواهد رسید، ولی عملاً گفتار مذکور تأیید نگردید، زیرا با نگاهی به دوره هشت ساله روزنامه که از سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۱ هـ.ق نشر یافته، وقفه در انتشار منظم مشاهده می‌شود به نحوی که مجموع شماره‌های منتشر شده طی هشت سال جمعاً ۶۶ شماره بوده است (همان، ۱۳).

سردبیری و گرداندگی روزنامه شرافت را "محمد باقر اعتمادالسلطنه" به عهده داشت. وی متولد سال ۱۲۷۴ هـ.ق بود. در سال ۱۳۰۶ هـ.ق به همراه ناصرالدین شاه به اروپا رفت و در سال ۱۳۱۳ هـ.ق پس از درگذشت محمدحسن خان اعتمادالسلطنه عمویش، به جای وی به وزارت انطباعات و ریاست دارالترجمه و دارالتألیف منصوب و مقلب به اعتمادالسلطنه گردید و از آن پس سرپرستی روزنامه شرافت به وی سپرده شد.

تمام نوشته‌های روزنامه شرافت از نظر محمدباقر می‌گذشت و در پایان هر شماره به نام "محمدباقر اعتمادالسلطنه" امضا می‌کرده و فقط در آخرین شماره روزنامه امضاء نامبرده دیده نمی‌شود زیرا آخرین شماره روزنامه پس از نه ماه تأخیر نسبت به شماره ماقبل خود منتشر شده است (همان، ۱۶ و ۱۷).

نقاش روزنامه شرافت

مهدی خان مصورالملک

نقاشی روزنامه شرافت با همان سبک و سیاق روزنامه شرف بر عهده میرزاهدی خان مصورالملک بود. آثار مصورالملک شبیه کارهای ابوتراب است. صفحات اول ۶۶ شماره از روزنامه شرافت، مزین به تصاویر رسم شده توسط میرزاهدی خان است (همان، ۱۷).

رئیس دارالتألیف و در سال ۱۳۰۰ ق وزیر انطباعات گردید و در همین سال بود که روزنامه شرف را تأسیس نمود و چهار سال بعد لقب اعتمادالسلطنه به او اعطا شد (صفی نژاد، ۱۳۶۳، ۲).

اولین شماره روزنامه شرف در محرم سال ۱۳۰۰ هـ.ق منتشر گردید و هدف این بوده که هر شماره به قطع رحلی در چهار صفحه با دو تصویر به طبع برسد، خط آن نستعلیق زیبا اثر معروف‌ترین خطاطان و تصویرهای آن کار برترین نقاشان بود. در پایان هر شماره امضای محمدحسن مشاهده می‌شود. بدین معنی که کلیه مطالب و تصاویر از نظر وی می‌گذشته است. با مرور دوره ده ساله روزنامه شرف آشکار می‌شود که گاه در زمان انتشار این روزنامه وقفه‌هایی رخ داده و حاصل ده سال انتشار آن ۸۷ شماره بوده است (همان، ۴).

مطالب روزنامه شرف تماماً به شرح حال رجال و سیاستمداران و هنرمندان ایرانی و غیر ایرانی اختصاص دارد که شجره خانوادگی، مناصب، مشاغل افراد مذکور همراه با تصاویر قلمی چاپ سنگی آنان محتوای صفحه‌های روزنامه را تشکیل می‌دهد و بندرت مطالبی غیر از این در روزنامه مشاهده می‌شود چنانچه در شماره ۸۷ روزنامه شرف، ۱۴۸ شرح حال همراه با تصویر مربوط مندرج است.

نقاشان روزنامه شرف

۱- میرزا ابوتراب غفاری

میرزا ابوتراب خان غفاری کاشانی سرهنگ و نقاش باشی مخصوص زمان ناصر، برادر بزرگ میرزا محمد خان غفاری کاشانی ملقب به "کمال‌الملک" نقاش مشهور و چیره دست است. تولد وی به سال ۱۲۷۹ هـ.ق بود. نامبرده در چهار سالگی از کاشان به تهران آمد (همان، ۹ و ۱۰). میرزا ابوتراب خان زیر نظر اعتمادالسلطنه نقاشی‌ها و تصاویر روزنامه را در وزارت انطباعات به عهده گرفت.

ابوتراب چنان مهارت و ابتکاری در ترسیم نقاشی‌های خود بکار گرفت که بارها مورد توجه شاه واقع شد و به رتبه، حمایل، نشان و خلعت شاهانه نایل و سرافراز گردید.... حدود ۱۵۵ اثر میرزا ابوتراب در روزنامه شرف به یادگار مانده است که حدود نیمی از آن با امضاء و نیم دیگر بدون امضاء منتشر گردید است....

میرزا ابوتراب در عنفوان جوانی در ماه رجب ۱۳۰۷ هـ.ق در سن ۲۸ سالگی با تریاک خودکشی نمود و شرح حالش در شماره ۷۵ روزنامه شرف همراه با تصویر نامبرده به چاپ رسیده است (همان، ۱۱).

۲- میرزا موسی نقاش (ممیزی)

پس از مرگ میرزا ابوتراب خان تصویر سازی و کارهای نقاشی مربوط به روزنامه شرف از طرف وزارت انطباعات به میرزا موسی که از تربیت یافتگان مخصوص مدرسه دارالفنون بود و در صنعت نقاشی ماهر و مجرب بود واگذار گردید. تصاویر حاصل کار دست میرزاموسی از شماره ۷۴ روزنامه شرف در سال ۱۳۰۷ هـ.ق قابل مشاهده و جمعاً ۲۹ نقاشی با امضاء او در روزنامه شرف به یادگار مانده است. میرزاموسی تا ۱۳۰۹ که انتشار روزنامه مزبور ادامه داشت با روزنامه شرف همکاری داشت (همان، ۱۲). میرزاموسی در اسلوب پرداخت کاری سیاه قلم ماهر بود. تاریخ تولد وی دانسته نیست. فوت وی در سال ۱۳۱۹ هـ.ق رخ داد (پاکبان، ۱۳۷۸، ۵۵۰).

عکاسان

طی سال‌های انتشار روزنامه‌های شرف و شرافت، آثار عکاسان متعددی به‌طور غیرمستقیم زینت بخش صفحه‌های این دو روزنامه بوده است. قریب به یک پنجم عکس‌ها مربوط به عکاسان خارجی بود که به علت عدم دسترسی به شرح حالشان، آثار آنان در زمان نگارش این مقاله موقتاً کنار گذاشته شدند. اما در خصوص عکاسان ایرانی در طی تحقیق، شش تن از مشهورترین آنان مورد شناسایی قرار گرفتند.

۱- آقارضا

آقارضا فرزند آقااسماعیل جدیدالاسلام و نوه ملاباباکلیم اصفهانی به سال ۱۸۴۳م/۱۲۵۹هـ.ق متولد شد. شهر محل تولد آقارضا نامعلوم بود و در مآخذ در دسترس، به نام آن اشاره‌ای نشده است. ملاباباحکیم علی القاعده از یهودیان ساکن اصفهان بوده است. پدر آقارضا پس از قبول اسلام ملقب به جدیدالاسلام می‌شود. این خاندان از زمان پدر آقارضا با دودمان قاجار ارتباط نزدیک داشته‌اند. آقارضا از کودکی با محیط دربار ناصرلی آشنا و جزو غلام بچه‌های درباری بود (ستاری، ۱۳۸۲، ۲۲۷).

آقارضا پس از سال ۱۲۵۷هـ.ق حسب امر و علاقه ناصرالدین شاه به عکاسی، زیر نظر یک عکاس فرانسوی که به تهران آمده بود، به آموختن عکاسی پرداخت و چون در این فن مهارت یافت، طی فرمان ناصرالدین شاه در ۱۲۸۰ قمری ملقب به "عکاس باشی" شد (ذکاء، ۱۳۷۶، ۴۷).

آقارضا اولین عکاس حرفه‌ای و از پرکارترین عکاسان دوره ناصرلی به شمار می‌رود. وی اولین عکاسی است که در سال ۱۲۸۷هـ.ق برای بزرگنمایی عکس از دستگاه بزرگساز عکس (آگراندیسور) استفاده کرد (ستاری، ۱۳۸۲، ۲۸۹) و (ستاری، ۱۳۸۵، ۹۷).

آقارضا در سال ۱۳۰۷هـ.ق در ۴۸ سالگی بر اثر بیماری کلیوی در آجودانیه شمیران در باغ شخصی خود فوت کرد و آجودانیه نام محله‌ای در شمال تهران برگرفته از یکی از القاب آقارضا "آجودان مخصوص" است (ستاری، ۱۳۸۲، ۳۸۰).

۲- میرزااحمد

میرزااحمد مدیر عکاس‌خانه دارالفنون و وظیفه عکاسی از درباریان، دولتمردان، نظامیان، معلمان دارالفنون و سفیران کشورهای خارجی را بر عهده داشت. تاریخ تولد دقیق میرزااحمد دانسته نیست. آنچه را هم که در برخی از منابع ذکر کرده‌اند با توجه به اسناد نویافته نمی‌توان قابل اعتماد دانست. میرزااحمد، عکاس خانواده دوستعلی خان معیرالممالک بود و با حمایت وی راهی اروپا شد و در آنجا ضمن وسعت بخشیدن به دانسته‌های خویش در حیطه عکاسی، به آموختن فنون کلیشه و گراورسازی، چاپ، حکاکی و چینی‌سازی نیز پرداخت. مدت این سفر پانزده ماه بود. پس از مراجعت از سفر به فرمان ناصرالدین شاه به عنوان مدیر عکاس‌خانه مبارکه دارالفنون منسوب

او از اواخر عهد ناصرلی تا اوایل سلطنت محمدعلی شاه در خدمت دربار بود و لقب "مصورالملک" را از مظفرالدین شاه گرفت.

چهره‌نگاری از طریق عکاسی

با پیشرفت در ساخت مواد حساس به نور و طبعاً کوتاه‌تر شدن زمان نوردهی، عکس چهره نیز پدیدار شد. میل بشر به جاودانگی و نیز خودشیفتگی^۲ او نسبت به تصویر خویش عامل مهمی در چهره‌نگاری از طریق عکاسی بود. او این میل را قبلاً از طریق طراحی و نقاشی ارضامی کرد، اما با ورود پدیده عکاسی به جهان قرن ۱۹م، این خودشیفتگی از دقت، وضوح و سندیت کافی نیز برخوردار شد و بدین ترتیب از آن پس بیشترین شمار عکس‌هایی که در سراسر جهان گرفته می‌شد عکس چهره بود (ستاری، ۱۳۸۵، ۷).

عکاسی یکی از پدیده‌های تجدد محسوب می‌شد. طبقه مرفه در کشورهای زادگاه عکاسی یعنی فرانسه و انگلستان و در ایران دوره ناصرلی، شخص شاه و دربار گریزی از این فن و هنر مسحورکننده نداشت. داشتن عکسی از خود باب روز شده بود. داشتن عکسی از چهره مقام، منزلت و موقعیت اجتماعی شخص را - حتی به دروغ و تظاهر - باز می‌نمایاند و اسباب تفاخر را فراهم می‌کرد (همان، ۷).

سر آغاز عکاسی چهره در ایران

اولین تجربه‌ها در زمینه عکاسی چهره کوتاه زمانی پس از ابداع عکاسی در سال ۱۸۳۹م باز می‌گردد. سال ۱۸۴۰م اولین عکس‌ها از چهره به شیوه عکاسی بر روی صفحه‌ای از مس به عالم هنر عرضه شد. اولین استودیوی عکاسی از چهره در ۱۸۴۰م در نیویورک گشوده شد. سال بعد یعنی ۱۸۴۱م اروپاییان اولین استودیوی عکاسی از چهره را گشودند. عکاسی در فاصله کمتر از سه سال به ایران دوره محمدشاه قاجار و ولیعهدش ناصرالدین میرزا (۱۸۴۲م/۱۲۵۸هـ.ق) راه یافت (ستاری، ۱۳۸۶، ۶).

اولین عکس‌های چهره در همین سال در ایران برداشته شدند. چهره محمدشاه، ولیعهد او ناصرالدین میرزای ۱۳ ساله و دخترش عزت‌الدوله خواهر ناصرالدین میرزا اولین موضوع این شاخه از عکاسی در ایران بودند. متأسفانه این تصاویر هنوز یافت نشده‌اند (همان، ۶). عکاس این تصاویر نیکلای پاولوف^۳ منشی سفارت روسیه در تهران بود (عدل، ۱۳۷۹، ۵۶). در سال (۱۸۴۴م/۱۲۶۰هـ.ق) ژول ریشار^۴ عکاس بعدی چهره‌نگار در ایران بود (ذکاء، ۱۳۷۶، ۵). ملک قاسم میرزا پسر بیست و چهارم فتحعلی‌شاه قاجار احتمالاً اولین عکاس ایرانی است که معتقدند همزمان با ریشار یا پس از او عکاسی کرده‌است (همان، ۸).

عکاسان بعدی ایرانی که چهره‌نگاری حاصل کار آنان، به وفور توسط طراحان و نقاشان روزنامه‌های شرف و شرافت الگو و مدل قرار گرفته در بخش بعدی مقاله معرفی می‌شوند.

دیگر از طبقات مختلف مردم و درباریان فراهم آورده طی آلبوم شماره ۲۲۴ به شاه تقدیم داشته است (ذکاء، ۱۳۷۶، ۱۱۹).
محمدحسن خان در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه مأمور شده بود که عکس زندانیان را که حاج سیاح و میرزا رضای کرمانی و حاجی امین و ملاعلی اکبر شه میرزادی و گروهی دیگر جزو آنها بودند برداشته و از نظر شاه بگذراند و این عکس‌ها در کتاب‌ها چاپ شده و معروف است (همان، ۱۲۰).

۵- میرزا سیدعلی خان اعتماد حضور

از عکاسان استاد که نمونه کارهای او به فراوانی در آلبوم‌های کاخ گلستان و در دست خانواده‌ها دیده می‌شود، میرزا سیدعلی اعتماد حضور مستوفی است. پدر میرزا سیدعلی، میرزا سیدعلی اکبر، مستوفی مخصوص موزه و زرگرخانه ناصرالدین شاه بود و میرزا سیدعلی و دو برادرش در نزد پدر در دربار کار می‌کردند و سیدعلی معاونت پدر را داشت و پس از مرگ پدر در ۱۳۰۸ هـ.ق جای او را گرفت و چون طرف اعتماد و اطمینان ناصرالدین شاه بود در سال ۱۳۰۹ هـ.ق به دریافت لقب "اعتماد حضور" مفتخر شد (ذکاء، ۱۳۷۶، ۱۲۱).

از میرزا سیدعلی خان عکس‌های فراوانی با آرم مخصوص عکاس‌خانه او در دست است. در آلبوم شماره ۲۷۸ کاخ گلستان مقداری از عکس‌های برداشته شده توسط او موجود است (همان، ۱۲۴).

۶- منوچهر خان عکاس باشی

پیرامون شرح حال این عکاس هاله‌ای از ابهام است. مرحوم ذکاء می‌نویسد در میان عکس‌های قدیمی به تعدادی عکس از واسط و اواخر ولیعهدی مظفرالدین میرزا در تبریز با امضای "خانه‌زاد منوچهر" و "عکاس‌خانه مبارکه حضرت اقدس ولیعهد والا روحنا فدا" برمی‌خوریم که متأسفانه شخصیت گیرنده عکس‌ها بر ما معلوم نیست (ذکاء، ۱۳۷۶، ۱۹۳).

تقویم سال ۱۳۰۶ هـ.ق نیز منوچهر خان را عکاس باشی ولیعهد نام برده است. از سوی دیگر در میان آلبوم‌های کاخ گلستان عکسی از قیافه عکاسی به نام "منوچهر" موجود است که در زیر عکس خود را "چاکر جان نثار منوچهر عکاس پسر میرزا احمدخان کردستانی از طایفه وکلای کردستان" معرفی کرده است و در تقویم سال ۱۳۰۳ هـ.ق نیز از منوچهرخان با عنوان "عکاس باشی ناصرالدین شاه" نام برده شده است. در آلبوم‌های شماره ۴۲۴ و ۴۰۱ کاخ گلستان ۸۳ قطعه عکس از ولیعهدی مظفرالدین شاه در تبریز و نواحی دیگر آن حدود و عمارت حوضخانه سلطنت آباد و استخر مقابل عمارت موجود است که در زیر عکس اخیر نوشته شده "عمل خانه‌زاد منوچهر ۱۳۰۶". از موضوع عکس‌ها چنین پیداست که این آلبوم در دستگاه مظفرالدین میرزا در تبریز تنظیم شده است. ولی ما نمی‌دانیم آیا این دو منوچهر نام، یک عکاس بوده یا دو تن جدا و متأسفانه از جستجو در مدارک و نوشته‌های موجود نیز راه به جایی نمی‌توان برد (همان، ۱۹۶).

شد. او سفر دیگری نیز به اروپا داشت که مدت آن هفت سال به درازا انجامید. گراورها و عکس‌های چاپ شده بر روی کاشی و چینی، مؤید استادی وی در زمینه‌های تحصیلی گوناگون او در فرنگ هستند.

میرزا احمد در سفر اول مظفرالدین شاه به فرنگ که در سال ۱۳۱۸ هـ.ق صورت پذیرفت جزو همراهان بود و از سوی مظفرالدین شاه لقب "صنیع السلطنه" یافت. از شاگردان معروف وی در عکاسی، پسر ارشدش میرزا ابراهیم خان و نیز عبدا... میرزای قاجار را می‌توان نام برد. از میرزا احمد رساله‌ای به خط نستعلیق درباره عکاسی که به ناصرالدین شاه تقدیم شده موجود و دو نسخه از آن در کتابخانه ملی و مرکز اسناد جمهوری اسلامی ایران نگهداری می‌شود.

تاریخ دقیق فوت میرزا احمد دانسته نیست. در قرآنی که در خاندان مصور رحمانی (از نوادگان میرزا ابراهیم) موجود است و میرزا احمد به خط خویش تاریخ ولادت فرزندان میرزا ابراهیم (به بیان دیگر نوه‌های خود) را در داخل جلد آن نگاشته، آخرین تاریخ ۱۲۲۳ هـ.ق است و نام و تاریخ تولد نوه دیگر را که به سال ۱۳۲۴ هـ.ق تولد یافته درج نکرده؛ از این رو تاریخ فوت میرزا احمد به احتمال قوی ۱۳۲۴ هـ.ق محسوب می‌شود و مقبره وی در گورستان "ابن بابویه" شهرری قرار دارد (ستاری، ۱۳۸۴، ۲۴۰ و ۲۴۱).

۳- عبدا... میرزای قاجار

دومین عکاس مشهور و پرکار ایرانی بعد از آقارضا، عبدا... میرزای فرزند جهانگیر میرزای قاجار است. وی حدود ۱۲۶۶ هـ.ق متولد و پس از تحصیلات مقدماتی وارد دارالفنون شد و فن عکاسی را فرا گرفت و در عکاس‌خانه مبارکه دارالفنون به کار مشغول شد و چون ذوق و شوق فراوان به هنر عکاسی و چاپ از خود نشان می‌داد در زمان وزارت علوم علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه به کمک معیرالممالک در حدود ۱۲۹۵ هـ.ق به فرنگستان فرستاده شد تا در رشته‌های عکاسی و چاپ متخصص شود (ذکاء، ۱۳۷۶، ۹۸).

وی همچنین عکس‌های بسیاری از جمله از شاگردان دارالفنون، رجال مملکتی و دیگر موضوعات برداشته و در اولین و دومین سفر مظفرالدین شاه به فرنگستان همراه او بوده است (همان، ۱۰۸).

قریب به اتفاق آثار عبدا... میرزا دارای عنوان هستند. او هیچ عکسی را بدون توضیح رها نکرده و همواره نام و نشان عکاس‌خانه خود را در ذیل یا پشت عکس ثبت نموده و در کنار عکس نام مناظر، رجال و حتی مناصب آنها را مشخص کرده و در مورد ابنیه عکاسی شده توضیحاتی مختصر را ارایه نموده است (حقیقی، ۱۳۷۹، ۶۶).
عبدا... میرزا به روایت ذکاء در سال ۱۳۲۶ هـ.ق (ذکاء، ۱۳۷۶، ۱۰۸) و طبق پژوهشی دیگر به سال ۱۳۳۱ هـ.ق (حقیقی، ۱۳۷۹، ۱۲۵) روی در نقاب خاک کشیده است.

۴- محمدحسن قاجار

محمدحسن قاجار، در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه (۱۳۰۸ تا ۱۳۱۲ هـ.ق) عکاس عکاس‌خانه مبارکه نظامی بود. وی در حدود ۱۳۱۲ هـ.ق تعدادی عکس از بیلاق شهرستانک و عکس‌های متفرقه

اولین شماره نشریه شرف با تصویری از ناصرالدین شاه در صفحه اول خود، در غره محرم ۱۳۰۰ هـ.ق به چاپ رسید (تصویر ۱).

ابوتراب ضمن تلاش در ایجاد تصویری عکس‌گونه، اولین اثر خود را با تغییراتی بدین شرح ارائه نمود: صندلی شاه را که به واسطه کم بودن عمق میدان وضوح در عکس، تار و محو شده بود، به صورت کاملاً واضح ترسیم کرده و سر را نیز کمی به سمت چپ حرکت داده، لازم به ذکر است که چرخش سر نه تنها در این تصویر، بلکه در بسیاری از آثار ابوتراب دیده می‌شود. علاوه بر آن چهره شاه را که در عکس دارای حالتی کاملاً جدی دارد، در طراحی متبسم ارائه کرده است. جابجایی شمشیر، تغییر حالت انگشتان دست چپ نیز طی فرآیند برگرداندن عکس به نقاشی شامل تغییر شده‌اند.

در شماره دوم روزنامه شرف تصویر "ظل السلطان" از روی عکس وی که توسط میرزا احمد صنایع السلطنه گرفته شده، به چاپ رسیده است (تصویر ۲). ابوتراب تصویری وی را با تغییر در مدال‌ها و کاهش تزیینات لباس ارائه کرده است. اما جزییات مدال‌ها و دیگر تزیینات را که در عکس به خوبی دیده نمی‌شوند، با دقت و جزییات کامل ترسیم نموده است. بدین ترتیب یکی از اشکالات موجود در برخی از عکس‌های آن دوره، توسط نقاش برطرف شده است.

در تصویر "حکیم الممالک" اثر عبدا... میرزا قاجار مدال ناصر (مزین به تصویر ناصرالدین شاه) عمداً به تصویر اضافه شده است. در طرح ارائه شده از "مستوفی الممالک" نیز شاهد تغییر حالت لباس همراه با ترسیم تزیینات هستیم.

پرتره (میرزا یوسف، پسر میرزا حسن مستوفی الممالک) "جناب آقا" یکی دیگر از آثار احمد صنایع السلطنه عکاس است که در شماره دوم روزنامه شرف به چاپ رسیده و ابوتراب تصویری وی را با تغییر نقش لباس ترسیم نموده است (تصویر ۳).

در این جا نیز ابوتراب با آگاهی از محدودیت‌های چاپ سنگی در بازنمایی نقوش ریز، اقدام به تغییر در نقش لباس کرده و با جایگزینی

مقایسه عکس‌ها و تصاویر به‌کاررفته در روزنامه‌های شرف و شرافت:

از آنجا که هدف از چاپ و انتشار نشریات شرف و شرافت، نگارش شرح حال بزرگان عالم بوده است، لذا از ۲۵۰ تصویر قلمی چاپ سنگی ۹۰٪ مربوط به رجال ایرانی و غیرایرانی و بقیه تصاویر شامل ابنیه و تعداد کمی نیز متفرقه است. با توجه به اینکه این تصاویر از روی عکس طراحی شده‌اند، در طی مراحل تبدیل عکس به طرح و نهایتاً چاپ در روزنامه، بعضاً دچار تغییر و تحولاتی شده‌اند. این تغییرات از یک سو ناشی از شیوه و محدودیت‌های چاپ سنگی و از سوی دیگر به منظور رفع ایرادات موجود در عکس‌ها و با هدف ارائه تصویری مناسب‌تر صورت گرفته است.

۱- تصاویر رجال

از میان ۲۵۰ تصویر چاپ شده در روزنامه‌های شرف و شرافت، تعداد ۱۷۴ تصویر به رجال ایرانی و ۴۹ تصویر به رجال غیرایرانی اختصاص دارد. این تصاویر چهره‌های نیم تنه‌ای هستند که با حذف اضافه و تغییر برخی عناصر آن موجبات تعدیل در تصویر و تسریع در مدت زمان طراحی را فراهم می‌کردند. با راه‌اندازی روزنامه شرف، مسئولیت نقاشی و تصاویر روزنامه به ابوتراب غفاری واگذار شد. وی حدود ۱۵۵ تصویر قلمی چاپ سنگی برگرفته از روی عکس را با دقتی کم‌نظیر ترسیم نمود؛ چنان‌که بارها مورد تقدیر و تشویق ناصرالدین شاه قرار گرفت.

قریب به نیمی از آثار چاپ شده ابوتراب در نشریه شرف بدون امضا هستند. وی دیگر آثار خود را با عناوین "ابوتراب"، "ابوتراب غفاری"، "اب و ت راب" و یا به خط لاتین امضا کرده است. پای برخی آثار وی عنوان "یا ابوتراب" دیده می‌شود.



تصویر ۲- عکس ظل السلطان اثر میرزا احمد صنایع السلطنه و تصویر قلمی چاپ سنگی از روی آن در روزنامه شرف شماره ۲. ماخذ: (کاخ گلستان، آلبوم ۴، ۳۳۴)



تصویر ۱- عکس ناصرالدین شاه و تصویر قلمی چاپ سنگی از روی آن در روزنامه شرف شماره ۱. ماخذ: (کاخ گلستان، آلبوم ۱، ۵۰، ۱۵۸)



تصویر ۴- عکس کامران میرزا اثر آقارضا عکاس باشی (اقبال السلطنه) و تصویر قلمی چاپ سنگی از روی آن در روزنامه شرف شماره ۴. ماخذ: (مجموعه خصوصی آرمان استپانیان)



تصویر ۳- عکس میرزا یوسف اثر میرزا احمد صنیع السلطنه و تصویر قلمی چاپ سنگی از روی آن در روزنامه شرف شماره ۲. ماخذ: (کاخ گلستان، آلبوم ۳۸۱، شماره ۷)



تصویر ۶- عکس وزیر همایون اثر عبدا... میرزای قاجار و تصویر قلمی چاپ سنگی از روی آن در روزنامه شرافت شماره ۳۹. ماخذ: (عکسخانه شهر)



تصویر ۵- عکس مظفرالدین میرزا (ولیعهد) اثر منوچهرخان عکاس باشی و تصویر قلمی چاپ سنگی از روی آن در روزنامه شرف شماره ۱۶۶۲. ماخذ: (تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران، ۱۳۷۶، ۱۹۴)

داده است (تصویر ۵).

پس از مرگ ابوتراب، میرزاموسی نقاش مسئولیت مصورسازی روزنامه شرف را به عهده گرفت. در ذیل اغلب آثارش نام "موسی" دیده می‌شود. او پرتره "احتشام الدوله" اثر عبدا... میرزا و چهره "شیخ‌الاطبا" اثر میرزاسیدعلی را عیناً مطابق عکس طراحی نمود. انتشار روزنامه "شرف" پس از ۸۷ شماره، در سال ۱۳۰۹ هـ.ق متوقف شد. پس از حدود چهار سال یعنی در ماه صفر ۱۳۱۴ هـ.ق در زمان سلطنت مظفرالدین شاه، روزنامه‌ای با همان سبک و سیاق با عنوان "شرافت" منتشر شد. مصور این روزنامه "میرزامهدی خان مصورالملک" بود. به جز تصویر محمدعلی میرزا (ولیعهد مظفرالدین شاه) که رقم "مهدی" بر آن نهاده‌اند تمامی آثار خود را در این نشریه با نام "مصورالملک" امضا کرده است. وی اغلب تصاویر کار خویش را بدون هیچ تغییری و مطابق با عکس اجرا نمود از جمله: "میرزاعلی خان امین الدوله"، "موثق الدوله"، "میرزامحسن خان معین‌الملک"، "میرزا اسماعیل خان امین‌الملک" و "میرزا مهدی خان وزیر همایون" که جملگی توسط عبدا... میرزا عکاسی شده‌اند (تصویر ۶).

نقش "بته جقه" با ابعاد بزرگ‌تر، مشکل را برطرف نموده است.

ابوتراب در برخی از طراحی‌هایش از عکس‌های گروهی بهره برده. مانند عکس "محمودخان ملک‌الشعرا" که توسط "میرزاسیدعلی اعتماد حضور" گرفته شده است. ابوتراب تصویر ملک‌الشعرا را بدون هیچ تغییری نسبت به عکس طراحی کرده است. ابوتراب در طراحی چهره "کامران میرزا" از عکسی که آقارضا از وی گرفته بود، استفاده کرد. از آنجا که لباس کامران میرزا دارای رنگی روشن و با حداقل جزئیات بود و در چاپ سنگی بر روی کاغذ سفید تفکیک این دو از هم را مشکل می‌نمود، لذا ابوتراب با هاشور زدن هم جزئیاتی در لباس پدید آورد و هم اقدام به تیره نمودن زمینه تصویر کرد تا امکان چاپ و نمایش بهتر لباس روشن کامران میرزا را پدید آورد. مدال‌ها را نیز که در عکس به خوبی دیده نمی‌شدند، با قلم خود کاملاً نمایان ساخت (تصویر ۴).

وی در ترسیم پرتره، مدال‌ها و همایل "مظفرالدین میرزا" و ولیعهد اثر منوچهرخان نیز دقت فراوانی به کار برده و به منظور نمایش بهتر آنها و رفع مشکل چاپ سنگی، رنگ لباس را از روشن به تیره تغییر

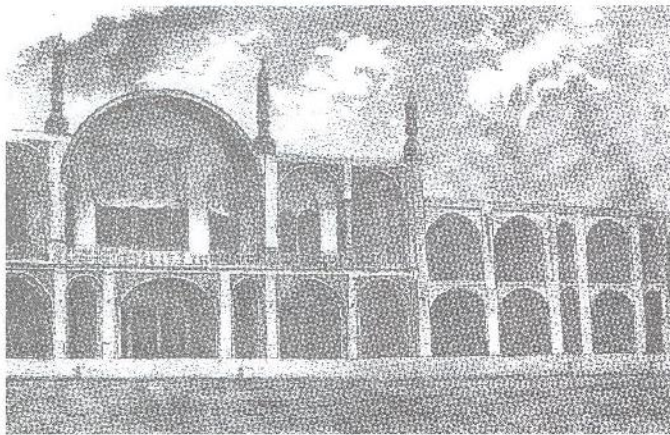
شاخ و برگ درختانی که به علت وزش باد و سرعت پایین دکمه مسدودکننده دوربین در عکس دچار کشیدگی و محو شده‌اند را عیناً بازسازی کرده.

یکی دیگر از کارهای ابوتراب تصویر "قصر امیریه" اثر محمدحسن خان قاجار است که به لحاظ تکنیک و اجرا قابل توجه می‌باشد.

ابوتراب در طراحی از روی عکس "عمارت مبارکه اسپدوانی"، اثر عبدا... میرزای قاجار جمعیت انبوه را به واسطه ناتوانی چاپ سنگی در بازنمایی مناسب آن حذف و برای دوری جستن از یکنواختی تصویر، به آسمان ابر و پرنده اضافه کرده است (تصویر ۷).

میرزاموسی نقاش (ممیزی) تنها یک بنا یعنی "قصر یاقوت" را از روی عکس گرفته شده توسط عبدا... میرزای قاجار با اضافاتی در اطراف آن تصویر کرده که نسبت به کار ابوتراب از دقت و کیفیت نازلتری برخوردار است.

مصورالملک نیز فقط یک بنا (عمارت ایران در نمایشگاه پاریس) را به تصویر کشیده که به علت عدم دستیابی به عکس آن، در زمان نگارش مطلب مورد بررسی قرار نگرفت.

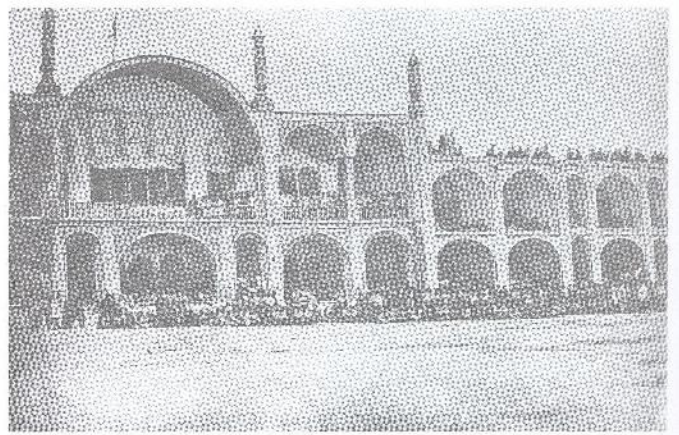


در برخی از آثار مصورالملک نیز همانند ابوتراب و میرزاموسی، شاهد تفاوت‌هایی در طراحی نسبت به اصل عکس هستیم. مانند: تصویر "میرزا فضل‌ا... خان وکیل‌الملک" اثر عبدا... میرزا که منجر به حذف مدال‌ها شده و نیز در تصویر "محمدعلی میرزا" که همراه با تغییراتی در چشم‌ها و تزیینات لباس نامبرده اجرا شده است.

۲- تصاویر ابنیه

از مجموع ۲۵ تصویر ابنیه، ۲۴ تصویر در روزنامه شرف و تنها یک تصویر در روزنامه شرافت به چاپ رسیده. در این بخش شش عکس از عبدا... قاجار و یک عکس از محمدحسن خان قاجار شناسایی و مورد بررسی قرار گرفتند.

تصاویر کلیه بناها به جز قصر یاقوت اثر ابوتراب غفاری است. او معمولاً تمامی عکس و در مواردی بخشی از آن را متناسب با کادر روزنامه انتخاب و بدون هیچ تغییری و کاملاً دقیق و مطابق با عکس به طراحی از روی آن می‌پرداخت. وفاداری او به عکس تا به آنجاست که



تصویر ۷- عکس عمارت اسپدوانی اثر عبدا... میرزای قاجار و تصویر قلمی چاپ سنگی از روی آن در روزنامه شرف شماره ۴۱. ماخذ: (کاخ گلستان، آلبوم ۱۶۳، ۲۷)

نتیجه

روزنامه‌ها و سفرنامه‌ها کرد.

به غیر از طراحان روزنامه‌های شرف و شرافت، نقاشان صورتگر دیگر به این نتیجه رسیده بودند که با استفاده از عکس می‌توان تعداد جلساتی که مدل نقاش می‌بایست بی‌حرکت در برابر نقاش بنشیند، کاهش داد و در برخی از موارد به کلی از آن صرف‌نظر کرد.

از این بررسی روشن می‌شود که در پی انفصالی که بین تهیه تک‌چهره به روش سنتی در نقاشی و استفاده از عکس در چاپ سنگی دیده می‌شود، حرفه‌ای جدید در ایران آن روزگار پدید آمد.

با انتشار این دو روزنامه در دوران قاجار، مصورسازی به روش بهره‌گیری مستقیم از عکس جلوه خاصی یافت.

هدف این مقاله اثبات بهره‌گیری از عکس و دخل و تصرف در

ابداع فن عکاسی و بهره‌گرفتن از عکس قرار داده شده در آیینیه برای ترسیم چهره یا منظره توسط طراح، باعث دقت و کیفیت مطلوبی در تصاویر ایجاد شده به روش چاپ سنگی شد.

عمده تصاویر روزنامه‌های مصور و کتاب‌های چاپ سنگی دوره قاجار با این روش پدید آمده‌اند.

عکاسی چهره‌نگاری که به سرعت به عنوان یک صنعت و حرفه در فرانسه و انگلستان توسعه می‌یافت، در ایران به عنوان مدل و الگوی طراح و رسام روزنامه‌ها و... سفرنامه‌ها و سایر کتاب‌های چاپ سنگی دوره قاجار عمل می‌کرد. چرا که طراحان روزنامه‌های مزبور نیک می‌دانستند که صداقت و دقت مطابق اصل تصاویر عکاسی را جز با الگو قرار دادن عکس نمی‌توان زینت‌بخش صفحه‌های

برخی جزئیات آن توسط طراحان این دو روزنامه بود و در این راستا تعداد ۳۶ قطعه عکس که به احتمال قرین به یقین الگو و مدل طراحان روزنامه‌های مزبور بودند پس از بررسی و کنکاش بسیار در آلبوم خانه کاخ گلستان (بزرگ‌ترین مرکز عکس‌های دوره قاجار در جهان)، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر یافت شدند که خصوصیات و جلوه‌های تصویری نزدیک به صد در صد و ساختاری واحدی در مقایسه با

تصاویر این دو روزنامه را نشان می‌دادند.

هنرمندان طراح در روزنامه‌های شرف و شرافت با از میان رفتن زمینه‌های مصورسازی به شیوه قدیم، توانستند با استفاده از امکانات زمانه خود در تکثیر طرح شبیه به عکس، در انتشار این دو روزنامه روح و حیات مجددی بدمند و میراث تصویرگری گذشتگان خویش را به مدد امکانات جدید و ذوق خود و مخاطبین روزنامه‌ها مجدداً در میان عامه مردم رونق دهند.

سپاسگزاری:

بدینوسیله از آقای حسین چنغانی زاده کارشناس ارشد پژوهش هنر و مدرس دانشگاه تشکر و قدردانی می‌گردد.

پی‌نوشت:

۱. Alois Senefelder

۲. Narcissism

۳. Nikolaj Pavlov

۴. Jules Richard (1816-1891)

فهرست منابع:

- افشار، ایرج (۱۳۷۱)، گنجینه عکس‌های ایران، نشر فرهنگ ایران، تهران.
 پاکباز، رویین (۱۳۷۸)، دایره‌المعارف هنر، فرهنگ معاصر، تهران.
 پروین، ناصرالدین (۱۳۷۷)، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
 حقیقی، عاطفه (۱۳۷۹)، بررسی و تحلیل زندگی و آثار عبدا... میرزا قاجار عکاس مخصوص، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر.
 ذکاء، یحیی (۱۳۷۶)، تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
 ستاری، محمد (۱۳۸۲)، بررسی تطبیقی میان آثار آقا رضا اقبال السلطنه اولین عکاس حرفه‌ای ایران و تنی چند از معاصرین وی در جهان، پایان‌نامه دکترای تخصصی، دانشگاه هنر.
 ستاری، محمد (۱۳۸۵)، ورود اولین دستگاه آگران‌دیسور (بزرگ‌ساز عکس به ایران)، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۲۷، صص ۹۷-۱۰۳.
 ستاری، محمد (۱۳۸۴)، نوآوران عرصه هنر، صنایع السلطنه‌های عکاس، فصلنامه حرفه-هنرمند، شماره ۱۲، صص ۲۴۰-۲۴۳.
 ستاری، محمد و دیگران (۱۳۸۵)، از گذشته‌ها: مجموعه‌ای از عکس‌های تاریخی ایران (از قاجار تا پهلوی)، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، اداره کل فرهنگی و انتشارات پالیزان، تهران.
 ستاری، محمد (۱۳۸۶)، کودکان دیروز، مجموعه‌ای از عکس‌های کودکان در ۱۰۰ سال گذشته، موزه عکسخانه شهر، تهران.
 صفی‌نژاد، جواد (۱۳۶۳)، دوره‌های روزنامه‌های شرف و شرافت، یساولی، تهران.
 عدل، شهریار (۱۳۷۹)، آشنایی با سینما و نخستین گام‌ها در فیلم‌برداری و فیلم‌سازی در ایران، فصلنامه طلوس، شماره ۵ و ۶، صص ۵۸-۹۰.
 فلور، ویلم و دیگران (۱۳۸۱)، نقاشی و نقاشان دوره قاجاریه، ترجمه دکتر یعقوب آژند، انتشارات ایل شاهسون یغدادی، تهران.
 قاسمی، سیدفرید (۱۳۸۰)، سرگذشت مطبوعات ایران (جلد اول)، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
 مارزولف، اولریش (۱۳۸۴)، تصاویر چاپ سنگی عهد قاجار منبع الهام هنر معاصر ایران، ترجمه آزاده افراسیابی، فصلنامه حرفه-هنرمند، شماره ۱۳، صص ۱۳۸-۱۴۵.